



حمله عراق به کویت

تلاش‌های دیپلماتیک باتشویق امریکا، آغاز شده‌و نشست‌ی میان عراق وکویت زیر نظر سعودی در جده برگزار شد تا وضعیت بین دو کشور را تا هنگام نشست رئیس جمهور عراق وامیر کویت در تاریخ مقرر یعنی ۳۱ ژانویه، آرام کند. قرار بود مبارک و ملک فهد نیز در این ملاقات حضور یافته وکوشش کنند با به‌کارگیری روش مدیریت بحران‌های عمیق، فتنه بحران راپایین بکشند. اما در عمل، نشست جده موفق نشد و نمی‌توان با قطعیت گفت در آن چه گذشت.

در این لحظات و در چارچوب این تحولات، موج تماس‌های عربی و بین‌المللی با عراق و کویت آغاز شد. من براساس برداشت خود از محتوای این تماس‌ها – نه اسنادی که طبیعتاً در اختیار ندارم – با قاطعیت می‌گویم کسانی که صدام را برای یورش به کویت تحریک می‌کردند و آنها که حل دوجانبه موضوع را تشویق می‌کردند، زیادبودند اما تنها اندکی اتماس گیرنگدان، به‌خطرناک بودن تحول پیش‌رو فکر کرده بودند. دیدارهامیان رئیس جمهور مبارک، ملک فهد، صدام حسین و ملک حسین در امان باتشویق رئیس جمهوربوش متوقف نشده وتماس‌های دیپلماتیک در آن روزها و هفته‌های بسیار گرم، قطع نشد. اما ورود به جزئیات این دیدارها و تماس‌ها، کمکی به درک عمیق‌تر رویداد نمی‌کند و تنها فضایی زهرآگین و ناامیدانه خواهد آفرید. سرانجام و نتیجه همه این تماس‌ها و دیدارها این شد که رئیس جمهور عراق به‌پرش به جلو، تصمیم به تهاجم به کویت گرفت. اقدام صدام آنچنان بود که گویی ارتش پابند پاره کرده‌اش، به مرخصی می‌رود که در سالیان طولانی جنگ خود با ایران، از آن برخوردار نشده‌است.

■ واقعه‌ای که وقوع یافت، پیشی گرفتن شمشیر بر سرزنش‌ها

واقعه [یورش عراق به کویت]، سرانجام در دوم اوت ۱۹۹۰، روی داد. من که در آن روز برای شرکت در اجلاس وزیران سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره بودم، پیشنهاد کردم شورای وزیران خارجه عرب شرکت‌کننده در اجلاس قاهره، برگزار شود. نشست‌های شورای وزیران اسلامی، به حال تعلیق در آمد و به نشست کوچک وزرای خارجه عرب تبدیل شد. نشست‌ی که آشوب و فریاد و بر خود راوی و کنشی ناشفیهوم، آن را فراگرفت.

نمایندگان کشورهای عربی خلیج فارس در آن لحظات از بزرگی رویداد، شدیداً مضطرب شده بودند. شیخ صباح وزیر خارجه کویت که به آرامش شناخته می‌شد، به‌خاطر رفتار شدن در تحولات بحران در کویت، در نشست قاهره حضور نداشت و عبدالرحمن العوضی، وزیر مشاور [در امور هیأت وزیران د کویت] با نشست وزرای خارجه کنفرانس اسلامی آمده بود. العوضی آن قدر نگران و به هم ریخته بود که از من خواست به‌سعود الفیصل وزیر خارجه سعودی بگویم، کشورش با ارسال تعدادی اوتومبیل وهلیکوپتر به نقطه‌مرزی باکویت، خاندان حاکم برکویت وفارادپیرامونی‌شان را که به آنها در مرز پیوسته‌اند به درون سعودی منتقل کند. فیصل به من گفت: امیر و پیرامونیان او را منتقل کرده‌ایم، اما در خواست‌های آنها پیش از اینها است. سعود الفیصل در کمک یغل نمی‌ورزید، اما از زیادی درخواست‌ها و عدم آمادگی کوبیتی‌ها برای استفاده از اوتوبیل‌های خوددنیال کرد. آن‌را تا داخل پادشاهی سعودی ورسیدن به‌طائف و دیگر شهرهای این کشور، خشمگین بود.

در هنگام یورش عراق به کویت، ما در هتل سمیرامیس در قاهره و در نزدیکی مقر اتحادیه عرب مستقر بودیم. سعود الفیصل در آن شرایط مایل بود تنهاپیش‌نگذارم، برای همین، بعد از ظهر با هم به سوئیت او رفتم و تماس‌ها و اخبار پیش‌روی عراق در کویت را دنبال کردم. موضوعی که جلب توجه می‌کرد تماس تلفنی رئیس جمهور جورج بوش با ملک حسین بود که به او گفته بود: دوست صدام وارد کویت شده است، چرا از اونی می‌چسبی چه می‌خواهد؟ سعود الفیصل ترجیح می‌داد، بوش با مبارک تماس بگیرد. به او گفتم اگر بوش می‌خواست به مبارک بگوید، می‌گفت چون تماس تلفنی با ملک حسین در اسکندریه و در حضور مبارک انجام شده بود. همچنین افزودم: امریکایی‌ها اعتماد بیشتری به ملک حسین – در مقایسه با مبارک – دارند. امیر سعودی خشمگین شد و بی جهت، اصرار به هم ریخت. ملک حسین پس از تماس تلفنی بوش، به بغداد رفت، اما دولت عراق بی‌پناهی‌های منتشر و اعلام کرد در گرگونی در موضع این کشور پدید نیامده و ارتش عراق برای ماندن، وارد کویت شده است.

هنگامی که به اتفاق سعود الفیصل به سالن اجتماعی برگشتیم که بقیه وزرای خارجه عرب در آن بودند، خبردار شدیم که نشست مقرر میان عزت ابراهیم الدوری معاون رئیس جمهور عراق و شیخ سعد الصباح نخست‌وزیر کویت – برای اولین ریزشکینه در سعودی – لغو شده است. برخی وزرای خارجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تاش داشتند جلو چشم وزرای خارجه دیگر، نماینده عراق در اتحادیه عرب را به تنهایی کنار کشیده و با او درگوشی، نتوا کنند. همچنین خبر رسید که سعدون حمادی [رئیس مجلس عراق تا ذلایقی دیگر خواهد رسید تا ریاست هیأت عراقی را به جای نماینده این کشور در اتحادیه عرب، برعهده گیرد.

برخی از فلسطینیان بر این باور بودند که اشغال کویت توسط عراق، اقدامی بجا بوده که به انتفاضه فلسطین خونی جدید تزریق کرده و روح جدیدی در آن دمیده است. نماینده فلسطین در حاشیه نشست‌های قاهره، در درونی‌اش را به من گفت که آنها اشغال منابع نفت کویت را تأیید می‌کنند. چون قبل از اشغال، حتی یک بشکه از این نفت، به فلسطینی‌ها نمی‌رسیده است. فاروق قدومی [وزیر خارجه دولت در تبعید فلسطین] در قاهره به من اطلاع داد که هزاران فلسطینی مقیم کویت، از سلاح به دست گرفتن در حمایت از صدام بخاطر اشغال کویت کوتاهی نکرده‌اند.

حمادی در نشست وزرای خارجه عرب در قاهره از جلد اندیشمندانه خود بیرون آمد و درصدد این صیاح را با تغییر یی زخم‌افزین و نامناسب با ادبیات سیاسی و دیپلماتیک، به باد دشنام گرفت. مشخص بود که اونیز به سهم خود، بر فشار رویداد اشغال کویت قرار گرفته و از آرامش و وزانت همیشگی‌اش خارج شده است. حمادی با قاطعیت به ما گفت: عراق هیچ‌گاه از کویت خارج نخواهد شد. و کویت پاره‌ای جدایی‌ناپذیر از عراق شده، و خاندان حاکم به کاخ‌های خود با نخواهند گشت. آنچه بعدها دستور عالی‌رتبه عراقی در صفت‌های تلوزیون شنیدیم که می‌گفتند صدام به آنها گفته، افسران عقب‌نشینی را حتی اگر از من صادر شد اجرا نکنید، با اظهارات حمادی در نشست قاهره همخوان بود.

حمادی در هنگام سخن گفتن با وزرای خارجه عرب، با گوشه چشمان خود گاه به وزیر خارجه مصر و گاه به من به عنوان وزیر خارجه سوریه نگاه کرده و می‌گفت: کویتی‌ها سوریه و مصر، دو کشور فقیر و پور را با اسرائیل را خفه کرده، و به آنها تنها به شکل قطره چکان کمک می‌کنند. روشن بود که حمادی با این اظهارات، می‌خواهد من و نماینده مصر را با خود همراه کند. هنگامی که نوبت به من رسید، روبه حمادی کردم و گفتم: ما کشور عربی هستیم که بیش از دیگران، به برخورد موضوعی با مشکلات، شناخته شده و با روشنی و جرأت سخن می‌گوییم. پس بگذارید اتفاقی که افتاده را به بحث بگذاریم. سوریه با آنچه در کویت اتفاق افتاده، و تهاجم به این کشور مخالف است، زیرا به لحاظ اصولی با اشغال سرزمین دیگران، مخالفیم، بویژه اگر اشغال یک کشور عربی از سوی کشور عربی دیگر باشد. این موضع اصولی ما در حالی است که سیاست کویت در تعامل با سوریه دوستانه نبوده است، و ما عضو شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس و شورای همکاری عربی و اتحادیه مغرب‌عربی، نیستیم. همچنین از حمادی پرسیدم آیا در یک وضعیت انقلابی هستیم؟ و خود پاسخ داد، «ما [گاریبالدی] [فرمانده جنگ‌های اتحاد و قهرمان ملی ایتالیا] با «بیسمارک» [نخست‌وزیر پروس و اولین صدراعظم تاریخ آلمان] در صحنه نمی‌بینیم. پس بایبید با تفاهم مشکل پیش آمده را حل کنیم. حمادی با نوعی خودبزرگ بینی نامه‌خوان با شخصیت همیشگی‌اش پاسخ داد: تصمیم‌م عراق قطعی است و اینکه «نفت عرب‌ها می‌بایست متعلق به عرب‌ها باشد». شعرا با معنی‌ها از دهه پنجاه و صصت بوده‌است. اولین جمله را گفت تا به من یاد آوری کند که هر دواز یک حزب بر خاسته‌ایم.

- پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۰
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۷۱۴

تورتو استار (کانادا)

بایدن به‌خاطر نوع خروج از افغانستان در چند روز گذشته مورد انتقاد واقع شده است. در این میان سهم جمهوریخواهان در گرفتن انگشت اتهام به سوی اوبسیار بیش از سایر طیف‌ها است. با این حال دو حزب در کنگره امریکا در حال همکاری با یکدیگر هستند تا شاید بتوانند کاری برای همکاران افغان امریکا که توانسته‌اند از این کشور خارج شوند، انجام دهند.

دور نما



ایندیپندنت (بریتانیا)

شاید این آخرین فصلی باشد که دومینک راب وزیر خارجه انگلیس است. اما او حداقل در مورد افغانستان توانست آن طور که باید ظاهر شود و وقتی از او خواسته شد تا درباره چرایی خروج انگلیس از افغانستان توضیح دهد، با آنکه زمان کافی داشت تا خود را برای توضیح مقابل نمایندگان پارلمان آماده کند، نتوانست پاسخی برای آنها داشته باشد.



دیلی صباح (ترکیه)

در حالی که جنگ در یمین هر روز بیشتر از روز قبل در حال عمیق شدن است و هیچ چشم‌اندازی برای پایان آن دیده نمی‌شود، کودکان این سرزمین جدا از همه مصایب جنگ، گرسنگی، مرگ در حملات هوایی و بیماری‌هایی مثل وبا و سوء تغذیه، قادر به ادامه تحصیل خود نیستند که نه فقط آینده آنها که آینده یمین را هم با تباهی مواجه می‌کند.



«بایدن» در تلاش برای توجیه، طالبان در صدد تشکیل دولت



بودند، با آغاز شمارش معکوس برای مهلت قانونی به امریکا و همپیمانانش رایزنی‌ها برای تشکیل دولت را از چند روز قبل از آن کلید زدند و سرانجام پس از خروج آخرین هواپیمای امریکا از آسمان کابل، اعلام کردند دولت دائمی و نه موقت تا پایان هفته بر سر کار می‌آید. «عباس استانکزی»، عضو ارشد هیأت طالبان در قطر به بی‌بی‌سی گفت: «دولت جدید، دولتی فراگیر است و زنان همچنان در آن نقش خواهند داشت. اما این همکاری در سطح وزیران نیست و شرط آن، همکاری نداشتن با دولت‌تحت حمایت امریکا است. کنترل فرودگاه کابل نیز به دست طالبان است و از دو روز آینده پروازها آغاز می‌شوند». در همین حال به نوشته «یورو نیوز»، «ذبیح‌الله مجاهد» سخنگوی طالبان نیز از پایان نشست سه روزه شورای رهبری این گروه در قندهار با حضور «هبت‌الله آخوندزاده» رهبر طالبان خبر داد. براساس توثیت «مجاهد»، این نشست از شنبه آغاز و همزمان با خروج

خواستار استرضاح «بایدن» و «بلیکن» شده‌اند. در داخل افغانستان نیز انتقادات از امریکا بالا رفته، به‌طوری‌که به نوشته طلوع نیوز، «عبدالواحد طاقت» کارشناس سیاسی این کشور، امریکا را عامل افزایش توربیسم و قاچاق مواد مخدر و همینطور پرورش سیاستمداران فاسد و نالایق دانست. «شفیق‌الله شقیق» استاد دانشگاه افغانستان نیز گفت: «خروج غیرمسئولانه نیروهای خارجی ارزش‌هایی که بیست سال روی آن هزینه شده بود و پیشرفت‌های مردم افغانستان را در معرض تهدید و خطر قرار داد». این تحلیل‌ها در حالی است که گزارش افشا شده از آخرین تماس تلفنی «بایدن» و «اشرف غنی»، پیش از سقوط کابل نشان می‌دهد که هر دو رئیس جمهور حتی تصور سلطه طالبان بر افغانستان را نیز نداشته‌اند.

■ تشکیل دولت طالبان با حضور فعال زنان

رهبران طالبان که تشکیل دولت را منوط به خروج نیروهای خارجی کرده

بلکه ما بر دوران عملیات‌های بزرگ نظامی پایان دایم تا کشور را بازسازی کنیم. بنابراین از صمیم قلب معتقدم این تصمیمی عاقلانه، درست و به‌ترین برای امریکا بود.» به نوشته «الجزیره» این تنها تقلاّی «بایدن» برای پنهان کردن تبعات خروج غیرمسئولانه‌اش از افغانستان نبود و او در همان روز پایان مأموریت ۲۰ ساله کشورش در افغانستان، مصوبه تخصیص بیش از ۱۰ میلیون دلار برای کمک به شهروندان امریکایی را که تا دو سال آینده از افغانستان باز می‌گردند قرار داد. این تحلیل‌ها در حالی است که گزارش افشا شده از آخرین تماس تلفنی «بایدن» و «اشرف غنی»، پیش از سقوط کابل نشان می‌دهد که هر دو رئیس جمهور حتی تصور سلطه طالبان بر افغانستان را نیز نداشته‌اند.

رئیس جمهوری امریکا – که به اهمیت رقابت با چین هسّتیم، چالش‌های کشیدنی با روسیه و در حوزه حملات سایبری و خلع سلاح هسته‌ای داریم. ما باید برای رویارویی با این چالش‌ها و رقابت‌های قرن بیست و یکم آماده باشیم. بنابراین باید تصمیم خروج از افغانستان تنها به این کشور مربوط نبود

«دونالد ترامپ» را نیز به انتقاد کشاند و ادامه داد: «رئیس جمهور پیشین امریکا توافقی با طالبان برای خروج نظامیان امریکایی تا اول مه، یعنی ماهه پیش از مهلت تعیین شده ما امضا کرده بود. این توافق هیچ تعهدی را بر گردن طالبان نمی‌گذاشت اما در مقابل با تحت فشار قرار گرفتن دولت افغانستان ۵ هزار زندانی طالبانی آزاد شدند و بسیاری از رهبران ارشد این گروه کنترل افغانستان را به دست گرفتند. زمانی که من به کاخ سفید آمدم؛ طالبان در اوج قدرت نظامی از سال ۲۰۰۱ قرار داشت بنابراین در درواهی تعهد دولت سابق به خروج یا ماندن و آغاز جنگی دیگر، یک راه ساده داشتم و انتخابی واقعی را انجام دادم. چرا که نمی‌خواستم ادامه دهنده این جنگ بی‌پایان و استمرار این فرایند خروج تمام نشدنی باشم و مسئولیت این تصمیم را بر عهده می‌گیرم.» وی به هشدار به شاخه جدید گروه داعش در افغانستان نیز گفت: «کار ما را شما هنوز تمام نشده است. تهدید ناشی از تاریخ امریکا به پایان رسید و ما با تخلیه بیش از ۱۲۰ هزار نفر از افغانستان، بزرگ‌ترین مأموریت تاریخ هوایی کشور را به ثبت رساندیم؛ رقی که بسیاری از کارشناسان آن را غیرممکن می‌دانستند. در حال حاضر فکر می‌کنم بین ۱۰ تا ۲۰۰ امریکایی همچنان در افغانستان هستند و قصد خروج دارند. اما هیچ ضرب‌الاجلی برای خروج این افراد تعیین نشده و ما در صدد بازگرداندن آنها هستیم.» «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه امریکا نیز تلاش‌های دیپلماتیک را در این زمینه ادامه خواهد داد.

پس از خروج ارتش امریکا از افغانستان، چین نتوانسته است شادی خود و پنهان کند زیرا کشوری را که دشمن نخست خود می‌پندارد، از هر جهت خرد شده می‌بیند و این در حالی است که سران امریکا مدعی اند دلیل بیرون رفتن سربازانشان از افغانستان، لزوم تمرکز هر چه بیشتر آنها روی چین و تلاش برای تضعیف این قدرت شرق آسیایی است. ره روسی متفاوت این قضیه را قبول داشته باشیم، شکی نیست که با فرار ختارستان سربازان امریکایی از کابل و هرات، «بازی قدرت» و موازنه‌های سیاسی در سطح جهان بر اثر این واقعه، تغییر اساسی کرده و جهان سیاست باید با آنگاره‌های جدیدی به حرکت درآید. این روزها اروپایی‌ها هم، سایه جو بایرن را با تیر می‌زنند زیرا نحوه خروج سربازان امریکا از افغانستان به گونه‌ای بود که این نیروهای غربی احساس تحقیر می‌کنند. این توجیه از سوی بایدن هم که ادامه حضور در افغانستان به ۳۰۰ میلیون دلاری که هر روز صرف این ابقا می‌شد، نمی‌آزید و دید را زود بایدن پول هنگفت در جای دیگری که منافع امریکا را بیشتر تأمین کند، هزینه می‌شد، خریداری ندارد و بایدن با وجود تصویر اسفباری که از ضعف‌های او به عنوان مرد اول لرزان کاخ سفید ترسیم شده، مدعی

فرار حشرات بار نیروهای امریکایی از افغانستان تأثیری فراتر از دو کشور دارد

تغییر در موازنه‌های سیاسی جهان

■ پارسلو ترئوفیوف و جرمی پیچ وصال روحانی (مترجم)

پس از خروج ارتش امریکا از افغانستان، چین نتوانسته است شادی خود و پنهان کند زیرا کشوری را که دشمن نخست خود می‌پندارد، از هر جهت خرد شده می‌بیند و این در حالی است که سران امریکا مدعی اند دلیل بیرون رفتن سربازانشان از افغانستان، لزوم تمرکز هر چه بیشتر آنها روی چین و تلاش برای تضعیف این قدرت شرق آسیایی است. ره روسی متفاوت این قضیه را قبول داشته باشیم، شکی نیست که با فرار ختارستان سربازان امریکایی از کابل و هرات، «بازی قدرت» و موازنه‌های سیاسی در سطح جهان بر اثر این واقعه، تغییر اساسی کرده و جهان سیاست باید با آنگاره‌های جدیدی به حرکت درآید. این روزها اروپایی‌ها هم، سایه جو بایرن را با تیر می‌زنند زیرا نحوه خروج سربازان امریکا از افغانستان به گونه‌ای بود که این نیروهای غربی احساس تحقیر می‌کنند. این توجیه از سوی بایدن هم که ادامه حضور در افغانستان به ۳۰۰ میلیون دلاری که هر روز صرف این ابقا می‌شد، نمی‌آزید و دید را زود بایدن پول هنگفت در جای دیگری که منافع امریکا را بیشتر تأمین کند، هزینه می‌شد، خریداری ندارد و بایدن با وجود تصویر اسفباری که از ضعف‌های او به عنوان مرد اول لرزان کاخ سفید ترسیم شده، مدعی



هرز رفته افغانستان را آغاز کنند. ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه پوتین به کابل دیروز با تمسخر نحوه قرار امریکایی‌ها از افغانستان گفت: «جای تعجب دارد کسانی که ۲۰ سال به اخیر سران افغانستان بهتر نیست که همه توان‌مان مصروف کنار زدن چین شود که با تمامی‌توانش می‌کوشد ما را در صحنه‌های اقتصادی و دیپلماتیک در بازی‌های سیاسی به آبغای یک نقش درجه دوم و دارد.» افرادی که در روسیه معتقدند خروج نیروهای امریکایی از کابل به سود امریکا بوده (و فقط نحوه آن خفت‌بخش‌ان داده) اندک نیستند. الکساندر گربوف، کارشناس ارشد روابط بین الملل در مرکز مطالعاتی کارنگی مسکو می‌گوید: «ادامه حضور ماشین نظامی امریکا در افغانستان هیچ بهره‌ای برای آنها نداشت و اینک امریکا وارد یک جنگ نظامی تازه با طالبان

شویم، بهتر است سرمایه‌های مالی و نیروهای انسانی خود را آماده چالش‌هایی کنیم که در سال‌های پیش روی‌اری ما حساس ترو مهم‌تر خواهد بود. فتح مجدد افغانستان چه فایده‌ای برای ما دارد و آیا بهتر نیست که همه توان‌مان مصروف کنار زدن چین شود که با تمامی‌توانش می‌کوشد ما را در صحنه‌های اقتصادی و دیپلماتیک در بازی‌های سیاسی به آبغای یک نقش درجه دوم و دارد.» افرادی که در روسیه معتقدند خروج نیروهای امریکایی از کابل به سود امریکا بوده (و فقط نحوه آن خفت‌بخش‌ان داده) اندک نیستند. الکساندر گربوف، کارشناس ارشد روابط بین الملل در مرکز مطالعاتی کارنگی مسکو می‌گوید: «ادامه حضور ماشین نظامی امریکا در افغانستان هیچ بهره‌ای برای آنها نداشت و اینک امریکا وارد یک جنگ نظامی تازه با طالبان

اخیر در کابل که از بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ نیست و ما نمی‌دانیم چطور می‌توانیم از نو در منطقه آرایش نظامی به خود بگیریم و از کدام راه وارد شویم. درست است که باراک اوباما هم مایل بود که در نهایت سربازان امریکایی منطقه را ترک بگویند اما نه به شکلی که نتوان تبعات تلخ و سرشکستگی حاصل از آن را برآی کل جامعه غرب جمع و رفع و رجوع کرد.» بایدن می‌گوید هر چقدر هم که بابت خروج سربازان کشورش از امریکا شماتت شود، از این پس هدف او وسایل استراتژیست‌های امریکا، محدودسازی قدرت چین و جلوگیری از جولان این کشور در عرصه‌های بین المللی است. با این حال بل چوینی، افسر عالی‌رتبه سابق ارتش کره جنوبی که ایک مشاور ارشد نظامی دولت سنول است، می‌گوید: «هر چور به ماجراهای افغانستان نگاه کنیم، این امریکا است که متغیر شد و این چینی است که گام‌های بلندتری را به سوی قیضه عرصه‌های سیاسی برداشت. امریکا حتی در زمینه مبارزه با تروریسم که دائما مدعی آن را داشته، شکست سختی از افغانستان متخذه بایدن در قبال افغان‌ها و به قدرت رسیدن مجدد طالبان ابایی نداشته و حرفی را ننافته باقی نگذاشته است. «نام تاجبها» مسئول کمیته روابط خارجی در مجلس عوام بریتانیا گفته است، در شهر درعا آمده است. WallStreetJournal/

توافق برای آتش‌بس در درعا

و مخالف در این باره به این روزنامه گفته است: این توافقنامه شامل ایجاد یک مرکز نظامی توسط روسیه در ضلع جنوبی درعا. بلند و افتتاح مرکز حل و فصل مسائل مربوط به کسانی که تحت تعقیب نظام سوریه هستند و تحویل سلاح‌های سبک آنها است. به گفته او در مرحله دوم از خانه‌های غیرنظامیان بازرسی خواهد شد تا تا از وجود افراد سئیزه‌جو در میان ساکنان شهر اطمینان حاصل شود. در همین حال، منابع محلی به شبکه الجزیره گفتند که از دیروز نیز دور جدیدی از گفت‌وگوها میان هیأت‌های عسایر درعا با نظام سوریه در شهر درعا آغاز شده است.

منابع خبری از توافق دولت سوریه و گروه‌های مسلح در درعا با میانجیگری روسیه بر سر برقراری آتش‌بس در این منطقه خبر دادند. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) با توافق دولت دمشق و گروه‌های مخالف در درعا، روند تحویل سلاح‌های گروه‌های مسلح در منطقه درعا البد آغاز شده است و به همین منظور چند مرکز برای رسیدگی به وضعیت افراد مسلح و تحویل سلاح‌های آنها به ارتش سوریه در محله درعا البد ایجاد خواهد شد. همزمان روزنامه القدس العربی نیز اعلام کرد، ابوعلی محامید، عضو کمیته مذاکره کننده گروه‌های مسلح

همچنین اشاره کرد: «امروز همه خواهان تشکیل دولتی هستند که تحت سلطه امر و نهی‌ها این منطقه‌ای نباشد. فساد و معاملات مشکوک تلاش‌ها برای اصلاح نظام سیاسی را ناکام گذاشت و ما امروز در مقابل صحنه و مر حله سیاسی جدیدی هستیم.» وی ائتلاف جدید شکل گرفته را نماینده گروه‌های میانه توصیف و تأکید کرد این ائتلاف با تندروی و افراط‌گرایی و نظامی کردن جامعه مخالف است و از روند اصلاحات و شجاعت برای مقابله با فساد و هدر دادن اموال عمومی حمایت می‌کند.

در آستانه انتخابات عراق، رهبر جریان الحکمه در این کشور از تشکیل فراکسیون سیاسی جدیدی با عنوان «ائتلاف گروه‌های ملی کشور» خبر داد. به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه شفق نیوز، عمار حکیم حین اعلام رسمی تشکیل فراکسیون سیاسی جدید با عنوان «ائتلاف گروه‌های ملی کشور» از استان بابل با تأکید بر تغییر اولویت‌ها به دلیل آگاه‌تر شدن و با مسئولیت‌بر شدن جوانان نسل جدید گفت: «ما از جوانان می‌خواهیم عراق را به تنهایی رها نکنند و نگذارند دیگران جایگاهشان را در مسئولیت‌ها بگیرند.» وی

همچنین اشاره کرد: «امروز همه خواهان تشکیل دولتی هستند که تحت سلطه امر و نهی‌ها این منطقه‌ای نباشد. فساد و معاملات مشکوک تلاش‌ها برای اصلاح نظام سیاسی را ناکام گذاشت و ما امروز در مقابل صحنه و مر حله سیاسی جدیدی هستیم.» وی ائتلاف جدید شکل گرفته را نماینده گروه‌های میانه توصیف و تأکید کرد این ائتلاف با تندروی و افراط‌گرایی و نظامی کردن جامعه مخالف است و از روند اصلاحات و شجاعت برای مقابله با فساد و هدر دادن اموال عمومی حمایت می‌کند.